

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶
صفحات: ۱۹۶-۱۷۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۵

تأثیر کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف خاص بر حقوق بشر دوستانه

دکتر علی فقیه حبیبی*

چکیده

حقوق بشردوستانه امروزه یکی از پایه‌های اساسی جلوگیری از هرج و مرج در جهان بین‌المللی است. حقوق بشر دوستانه در عمل توانسته است از برخی منش‌های بشری که متأسفانه در سال‌های اخیر با پیشرفت سلاح‌های گوناگون بروز بیشتری نیز پیدا کرده است، جلوگیری کند. کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف خاص با ممنوعیت و یا حتی محدودیت برخی سلاح‌ها از ایجاد محیط مناسب در جنگ‌ها برای انجام هر امری ممانعت ایجاد کرده است. حقوق بشردوستانه در ابتدای کار خود قرار دارد و نمی‌توان انتظار داشت که همانند حقوق داخلی کاملاً کاربردی و مؤثر عمل نموده و مانعی قطعی برای مقابله با این جنایات جنگی و بشری تلقی گردد، این در حالی است که در شکل‌گیری حقوق داخلی به معنای امروزی آن نیز چنین بوده است. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حقوق بشر دوستانه کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف خاص است. هدف اصلی کنوانسیون سلاح‌های متعارف، تأمین حمایت حقوقی بهتر از افراد غیر نظامی در درگیری‌های مسلحانه است. در حقیقت، کنوانسیون مزبور و پروتکل‌های الحاقی آن که در چارچوب مبتنی بر حقوق بشردوستانه بین‌الملل قرار دارند، نحوه استفاده از سلاح‌های متعارف موجود و نیز سلاح‌های متعارف جدید را قاعده‌مند می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

کنوانسیون ۱۹۸۰، سلاح‌های متعارف خاص، جنگ، حقوق بشر دوستانه.

* عضو هیأت علمی و استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. بیان مساله

حقوق بشردوستانه از جمله شاخه‌های نوین حقوقی است که یکی از خصایص آن نداشتن ضمانت اجرایی مانند آنچه در حقوق داخلی است، می‌باشد. اما طرح موضوعاتی این چنینی در نظام بین‌المللی دارای اهرم‌ها و ابزارهای فشارهایی به عنوان اجماع بین‌المللی است. بنابراین این قواعد کنوانسیون‌ها در حقوق بشر دوستانه تأثیرگذار بوده است و می‌تواند به نحوی مؤثر در نظامات بین‌المللی کاربرد داشته باشد و نمی‌توان بیان داشت به دلیل موارد نقض حقوق بشر دوستانه این رشته حقوقی بی‌تأثیر می‌باشد. اصطلاح حقوق بشر دوستانه یا به تعبیر دیگر حقوق الانسانیه، از جمله اصطلاحات جدیدی است که طی قرون اخیر وارد ادبیات حقوق بین‌الملل شده و طی چند کنفرانس و نشست در قالب کنوانسیون‌ها و قراردادهایی مورد اقبال و اجماع جامعه بین‌الملل واقع گردیده و در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی تعریف شده است. موضوع حقوق بشر دوستانه در زمان جنگ و مخاصمات و درگیری‌ها بین اقوام و مناطق مختلف جامعه بشری به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های غیرمتعارف و استعمال سلاح‌های غیرمجاز و برخوردهای خشونت‌آمیز با غیر نظامیان، اسیران، مردم عادی، مجروحان، بیماران و آسیب دیدگان و جهات مشابه دیگر مطرح می‌شود به‌گونه‌ای که بعضاً مرادف با حقوق مخاصمات یا حقوق در جنگ تلقی می‌گردد. موضوعی که بارها به واسطه زیاده‌خواهی و عقده‌گشایی‌ها و لشکرکشی‌ها و خصومت‌ها نادیده انگاشته شده و کرامت انسانی و صیانت ذات جامعه بشری را در ذبح اراده یکجانبه قدرت‌های سلطه‌گر مثل آمریکا قربانی می‌کند. وضع و انشاء حقوق و قواعد و مقررات بشر دوستانه در واقع واکنشی است مثبت و اعتراض‌آمیز به رویه خشونت‌بار و قاعده شکنانه در طول جنگ‌ها و درگیری‌ها و مخاصمات جامعه بشری. امروزه حقوق بشردوستانه صرفاً مترادف با حقوق مخاصمات مسلحانه نیست و تطور و تحول و تکامل یافته تر شده است. اکنون پس از قریب به حدود ۱۴۰ سال حقوق بشردوستانه دوران تکاملی پرفراز و فرودی را پشت سر گذاشته و به مجموعه‌ای از پروتکل‌ها و قواعد و قوانین و اصول و مقررات و اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها و شاخه‌های حقوقی اطلاق می‌گردد که ضامن جلوگیری از خشونت و ناجوانمردی‌هایی است که ممکن است در خلال خصومت‌ها و جدال‌های طرفین متخاصم ایجاد شود (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۱: ۷۹).

حقوق بشردوستانه امروزه یکی از پایه‌های اساسی جلوگیری از هرج و مرج در جهان بین‌المللی است. این شاخه حقوق بین‌الملل می‌کوشد با وضع مقرراتی از خشونت در جنگ‌ها

بکاهد. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در بردارنده دو مفهوم اصلی است: اول اینکه اعلام می‌کند که هنگام در گرفتن درگیری مسلحانه حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی نامحدود نیست و آن‌ها فقط می‌توانند از آن دسته از روش‌ها و سلاح‌های جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیر انسانی ایجاد نکنند. دوم اینکه از حیات، سلامت و کرامت انسان‌هایی - شامل غیر نظامیان، اسیران جنگی، مجروحان، بیماران - که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند، حمایت می‌کند. در حقوق بشر دوستانه هیچ توجهی به علت جنگ و قانونی بودن یا نبودن آن نمی‌شود و تنها مسأله‌ای که مورد نظر است حمایت از قربانیان جنگ و کاهش خشونت آن است. بنابراین حقوق بشر دوستانه بدون توجه به علت جنگ و صرف‌نظر از اینکه قربانیان متعلق به کدام یک از دو طرف درگیری هستند از آن‌ها حمایت می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

ابزارها و شیوه‌های جدید خطرناک رزم، منازعات ایدئولوژیک و اشاعه گسترده‌تر تسلیحات به‌طور کلی در وضعیت زیست‌محیطی، به نحو فزاینده نگران‌کننده و به سادگی می‌تواند حاکی از فاجعه و مصیبت باشد. تلاش‌ها باید بدین‌منظور صورت گیرد که حقوق بشر دوستانه چگونه می‌تواند در وضعیت‌های منازعه آمیز غیر سنتی اعمال گردد و سازوکارهای مؤثر اجرایی مقرر گردد. اراده سیاسی می‌تواند از چنین سناریویی جلوگیری کند. اما چنین اقدامی مقتضی تمایل به اشتیاق در عدول از شیوه معمول اندیشیدن در خصوص مسائل است. اینکه آیا این امر انجام خواهد پذیرفت یا نه، به این موضوع بستگی دارد که چه میزان قاعده‌مندسازی منازعه مسلحانه، زمانی که در برابر منافع متعارض هستیم سنجیده می‌شود و مهم تلقی می‌گردد. این امر در عین حال به این موضوع بستگی خواهد داشت که آیا تمایل به آینده‌نگری درباره منافع دراز مدت برای صیانت از ارزش‌های حقوق بشر دوستانه وجود دارد؟ دخالت بیشتر جامعه مدنی برای تحول مهم بوده و هیچ دلیل آشکاری وجود ندارد که چرا باید در آینده ضعیف شود. بنابراین کاملاً موجه می‌نماید که اعمال و اجرای حقوق بشر دوستانه ارتقا یابد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

آینده پیش روی حقوق بشر دوستانه به‌گونه‌ای است که گاهی مبهم می‌نماید، اما پیشینه آن قدری امیدواری به فرد وارد می‌سازد، که در طول زمان این حقوق قابل‌گسترش و همچنین کاربردی‌تر شود. لذا قطعاً با پیشرفت تکنولوژی در ساخت انواع سلاح‌ها و خطرناک‌تر شدن آن‌ها این شاخه حقوق گسترش بیشتری می‌یابد و شاید در آینده نه چندان دور دارای ابواب

مختلف شود. به هر تقدیر ضرورت پژوهش در این رشته بین‌العلمی در شاخه حقوق و علم نظامی‌گری یک ضرورت است. هر چند در فصل قبل مشاهده شد که در برخی موارد مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف توسط دولی همچون آمریکا و رژیم اسرائیل زیر پای گذاشته شده است، اما این نقض آشکار می‌تواند در محاکم داخلی و بین‌المللی پیگیری گردد چراکه حقوق بشردوستانه امروزه با ابزارهایی که در دست دارد خود شمشیری دو لبه است، که یک لبه آن اقدام به بازدارندگی می‌کند و لبه دیگری اقدامات خلاف مقررات بین‌المللی را قطع کرده و تحت پیگرد قرار می‌دهد (غفاریان، ۱۳۸۶: ۴۸).

۲. ادبیات نظری: بررسی و تبیین حقوق بشر دوستانه

حقوق بشردوستانه موضوعی است که در آن مبانی مختلف بحث شده و راهکارها و سازوکارهای جامع جهت جلوگیری از حداکثر خسارات جانی و مالی تشریح می‌گردد، لذا حقوق بشردوستانه دارای قواعد عملکردی است که می‌تواند در جای خود اثربخشی زیادی را به دنبال داشته باشد. از این رو آشنایی، تعریف و پیشینه حقوق بشردوستانه می‌تواند به تفهیم هر چه بهتر آن کمک نماید: توسل به زور بر اساس ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد ممنوع است. دولت‌ها می‌توانند تنها در مقام اعمال حق دفاع مشروع ذاتی خود به صورت فردی یا جمعی (ماده ۵۱) یا در چارچوب اقدامات نظامی شورای امنیت (مواد ۴۳-۳۹) به زور متوسل شوند. و در این راستا حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز در مقابل طرف‌های هر مخاصمه مسلحانه صرف نظر از طرف آغازگر آن مخاصمه اعمال می‌شود. این حقوق متضمن کلیه مقرراتی است که ناظر بر حمایت از نوع بشر در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. بنابراین حقوق بشردوستانه، بخشی از موازین حقوقی ناظر بر مخاصمات مسلحانه است که نحوه انجام عملیات جنگی و رفتار متخاصمان را در راستای غایت (انسانی شدن) مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی تنظیم می‌نماید. لذا برای نتیجه‌گیری هر چه بهتر از این بحث تا اینجا می‌توان بیان داشت که:

۲-۱. حقوق مخاصمات مسلحانه

۲-۱-۱. بخشی از حقوق بین‌الملل است؛

۲-۱-۲. در هنگام مخاصمات مسلحانه بر روابط بین کشورها حاکم است؛

۲-۱-۳. هدف آن تا حد امکان، کاهش آلام، صدمات و خسارات ناشی از جنگ است؛

۴-۱-۲. وظایفی را به عهده اشخاص ساکن در این کشورها، بخصوص اعضای نیروهای مسلح آنها می‌گذارد.

۵-۱-۲. در نهایت هدف از آن جلوگیری از کارایی نظامی نمی‌باشد (ممتاز، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

پس کارکردهای حقوق بشردوستانه به طور کامل مشخص است. اما این کارکردها تحت تأثیر عوامل مختلف دارای اثرات مختلفی می‌باشند. حقوق بشردوستانه سعی دارد توسل به زور را محدود نماید، اما تفاسیر مختلفی که از آن به عمل آمده است جای بحث و تبادل نظر را فراهم ساخته است و حتی معانی مختلفی را از آن خارج می‌کند. اما قاعده تحریم جنگ و منع توسل به زور، به رغم آنکه در زمره قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام است اما متأسفانه نتوانسته کارایی کامل و مؤثری داشته باشد. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق توسل به زور یا حقوق پیشگیری از جنگ با موفقیت چندانی مواجه نبوده است. این امر موجب شده تا جنگ به مثابه یک واقعه تاریخی در حقوق مدنظر قرار گیرد یعنی کشورها به دلیل شکست در اجرای کامل و موثر قاعده عدم توسل به زور تمام سعی و توان خود را در جهت تهیه و تدوین قواعد ناظر بر جنگ یا حقوق جنگ به کار برده‌اند. حقوق جنگ متضمن قواعدی است تا بتواند راهبری و هدایت درگیری‌های مسلحانه را تحت نظم حقوقی درآورده و با انسانی کردن آنها از آثار مخرب و زیان‌بارشان تا حد ممکن بکاهد. رسالت آن بخش از حقوق جنگ که وظیفه انسانی کردن مخاصمات را بر عهده دارد، حقوق بشر دوستانه است. پس اگر حقوق در مفهوم ذاتی خود هنوز نتوانسته تضمین‌های کافی برای پیشگیری از جنگ عرضه دارد، لاقلاً نتوانسته با رخنه در صحنه‌های نبرد، شدت وحشی‌گری در جنگ‌ها را کاهش دهد و این مرهون حقوق بشردوستانه است. حقوق بشر دوستانه به‌عنوان یکی از شاخه‌ها یا شعبات حقوق بین‌الملل مقام و موقعیتی حساس و برجسته دارد و یکی از محورهای مهم و اساسی در حقوق بین‌الملل انسانی است چرا که امروزه بدون تردید جامعه جهانی، جامعه انسانی و حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه، مشحون از اصول انسانیت است. حقوق بشر دوستانه متضمن قواعد حمایتی عام الشمول برای افراد و گروه‌های انسانی، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور کلی هر تابعی از تابعان حقوق بین‌الملل است که به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر یک مخاصمه مسلحانه و حتی در مواردی درگیر یک شورش یا آشوب مسلحانه داخلی با آستانه بالا هستند. قلمرو اجرای حقوق بشردوستانه حتی کشورهای غیر متخاصم یا بی‌طرف را شامل می‌شود. دلیل

این مشمولیت گسترده، حمایتی است که جامعه جهانی و فراتر از آن جامعه بین‌المللی، به موضوع مهم جنگ و توسل به زور دارد (فلسفی، ۱۳۸۵: ۹۴).

بنابر مراتب مذکور، حقوق بشر دوستانه در برابر یک تناقض آشکار قرار دارد: ممنوعیت یا تحریم جنگ از یک سو و وجود مقررات بشر دوستانه ناظر بر زمان جنگ از سوی دیگر. به بیان بهتر اگر کشورها نباید به جنگ متوسل شوند، پس چگونه می‌توان قواعدی را ناظر بر روند جنگ، با انسانی کردن جنگ وضع و اجرا نمود. اما امروزه حقوق بشر دوستانه بر مبنای واقعیات جامعه جهانی و نه آرمان‌های دست نیافتنی (حداقل تا آینده نزدیک) شکل گرفته و روند توسعه، تحول و تکامل خود را طی می‌کند. تعداد اسناد بین‌المللی و قواعد عرفی و سایر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مربوط مخصوصاً شناسایی حقوق بشر دوستانه در نظام ملل متحد (به رغم سکوت منشور ملل متحد) مؤید درک این واقعیات است (موسی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

برای آنکه جامعه بین‌المللی از هم گسیخته نشود، نهادهای حقوقی بین‌الملل، مؤسسات صلح بین‌المللی، انجمن‌های حقوق بشر و تأسیسات گوناگون سازمان ملل باید در ارائه راه‌حل‌های پیشگیری از نقض معاهدات محدود کننده سلاح‌های مخرب و انهدام فراگیر و ایجاد تضمینات بین‌المللی کامل و مؤثر بکوشند تا قبح جنگ و خشونت به عنوان یک ارزش اخلاقی بین‌المللی و یا یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام محترم شمرده شود و جهان جنگ را از پیش محکوم بدانند و اگر چنین اصل و قاعده‌ای نقض شد، در آن فضای خاکستری و بعضاً تیره و تاریک، قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه قابلیت اعمال یابند. شاید با اجرای کامل و مؤثر آن قواعد از آثار مخرب و زیانبار توسل به زور تا حدودی کاسته شود. یقیناً نباید با بسنده کردن به اجرای کامل و مؤثر حقوق بشر دوستانه، اصل اساسی و مهم‌تر از آن، یعنی اجرای تام قاعده عدم توسل به زور و تحریم جنگ به دست فراموشی سپرده شود. حقوق بشر دوستانه در انواع مخاصمات قابل اعمال است، بنابراین قواعد حقوق بشر دوستانه در روابط میان دولت‌های ذی‌ربط در مخاصمات عمدتاً جایگزین حقوق بین‌الملل صلح خواهد شد. با این حال اهمیت حقوق بین‌الملل صلح به ویژه در رابطه میان طرف‌های مخاصمه و دولت‌های بی‌طرف به قوت خود باقی است. متأسفانه در سال‌های اخیر اصل حقوق فلسفه وجودی حقوق بشر دوستانه زیر سؤال رفته است چراکه ماهیت اصلی حقوق بشر دوستانه جلوگیری از جنگ است نه محدودیت

در فضای آن اما با ناامیدی حقوق‌دانان شاکله کلی به این سمت رفته است که ایجاد محدودیت حداقل ساختار اجرایی در حقوق بشر دوستانه را ایجاد نمود (راجرز و مالرپ، ۱۳۸۵: ۳۸).

۲-۲. سلاح‌های متعارف خاص

مقصود از سلاح‌های متعارف خاص، انواع تسهیلات معمولی و عادی است که اصولاً کاربرد آن‌ها نقض حقوق بشر دوستانه محسوب نمی‌شود. با وجود این از گذشته‌های دور تا به امروز به تدریج استفاده از برخی سلاح‌های متعارف، به دلیل ماهیت شدید غیر انسانی که دارند و آثار گسترده زیانبار و غیرقابل تفکیک و تمایزی که به بار می‌آورند و در نتیجه موجب رنج و درد بیش از اندازه و غیر معمول و غیر ضروری می‌گردند ممنوع اعلام گردیده یا در کاربرد آن‌ها محدودیت ایجاد شده است. این نوع سلاح‌ها در مقابل سلاح‌های استراتژیک یا سلاح‌های انهدام فراگیر قرار دارند (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

تا پیش از سال ۱۹۸۰ و انعقاد عهدنامه ژنو این نوع سلاح‌ها تحت پوشش هیچ‌گونه ممنوعیت خاصی به جز اصول کلاسیک سن پترزبورگ و لاهه در مورد گلوله‌های انفجاری و گلوله‌های افشان یا پخش شونده نبود. البته همزمان و متعاقب عهدنامه ۱۹۸۰ در مورد سلاح‌های متعارف، پنج پروتکل الحاقی به آن عهدنامه و یک معاهده در زمینه مین‌های ضد نفر به تصویب رسیده است که با اعلامیه سن پترزبورگ و لاهه و به علاوه آن‌ها قواعد عرفی مربوط، مقررات حقوق بین‌الملل سلاح‌های متعارف را تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۱. کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص ۱۹۸۰: سلاح‌های متعارف مخصوصاً انواع جدید آن‌ها سلاح‌هایی هستند که قبل از هر چیز هدفشان لطمه به اشخاص می‌باشد و بر تأسیسات و استحکامات نظامی اثر می‌گذارند. موضوع سلاح‌های متعارف جدید پس از سال‌ها سکوت جامعه بین‌المللی در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ در یک معاهده جدید تحت عنوان (عهدنامه مربوط به ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های کاربرد برخی از سلاح‌های متعارف که قادرند به صدمات جبران‌ناپذیر یا آثار بدون تمایز منجر گردند) متجلی گردید. این عهدنامه از دوم دسامبر ۱۹۸۳ به مرحله اجرا درآمده است. عهدنامه و پروتکل‌ها از دو اصل بنیادین عرفی حقوق بشر دوستانه ناشی می‌شوند. یکی محدود بودن حقوق طرف‌های درگیری در انتخاب وسایل و شیوه‌های نبرد و دیگری ممنوعیت کاربرد سلاح‌ها، گلوله‌ها یا موادی که منجر به رنج و آلام شدید و غیر ضروری می‌گردند. این کنوانسیون دو قاعده عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در مورد سلاح‌های متعارف خاص به مورد اجرا می‌گذارد. این قواعد عبارتند از:

الف) منع، کاربرد سلاح‌هایی که ذاتاً کور کورانه عمل می‌کنند؛
ب) منع کاربرد سلاح‌هایی که سبب آسیب غیرضروری یا رنج فراوان در قربانیان خود می‌شوند.
این کنوانسیون در عین اینکه قواعد عرفی را بر سلاح‌های خاص اعمال می‌کند به تعهد کشورها در خودداری از استفاده از سلاح‌هایی که در کنوانسیون ذکر نشده‌اند اما قواعد حقوق بشردوستانه را نقض می‌کنند لطمه‌ای نمی‌زند.

۲-۲-۲. کنوانسیون مینا: عنوان رسمی این معاهده عبارت است از کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌هایی که به نظر می‌رسد خسارت شدید ایجاد کرده و آثار کورکورانه دارند. این کنوانسیون و سه پروتکل از چهار پروتکل الحاقی آن در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به اجرا گذاشته می‌شوند.

پروتکل اول؛ اجزای جدا نشدنی: استفاده از هر سلاحی که اثر اولیه آن مجروح کردن توسط قطعات کوچکی است که در بدن انسان با اشعه ایکس هم مشخص نمی‌شوند، ممنوع است.
پروتکل دوم؛ مین‌ها، تله‌های انفجاری و دیگر سلاح‌های مشابه استفاده از مین‌های زمینی (هم مین‌های ضد نفر و هم مین‌های ضد تانک)، تله‌های انفجاری و دیگر ابزار تخریبی مشابه را محدود می‌کند.

پروتکل سوم؛ سلاح‌های آتش‌زا.

پروتکل چهارم؛ سلاح‌های لیزری کور کننده.

پروتکل پنجم در مورد مواد انفجاری باقیمانده از جنگ‌ها مورخ ۲۰۰۳ بوده و از سال ۲۰۰۶ وارد مرحله اجرا شده است. همچنان که مشخص است این عهدنامه در طول زمان دارای اضافاتی شده است که در جای خود می‌تواند به پیشرفت و توسعه حقوق بشردوستانه کمک شایان توجهی نماید (میرعباسی و عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

اما گذشته از بیان لفظی کنوانسیون و پروتکل‌های ضمیمه شده تشریح حقوقی موضوع نیز در جای خود شایان توجه است: «استفاده از هر نوع سلاحی که تأثیر اولیه آن تکه‌تکه شدن در بدن انسان است و با اشعه ایکس قابل تشخیص و شناسایی نباشد، نیز ممنوع است. مهمترین نتیجه مذاکرات کنوانسیون سلاح‌های متعارف که منتهی به تصویب کنوانسیون سلاح‌های متعارف سازمان ملل ۱۹۸۰ شد، پروتکل ممنوعیت و محدودیت استفاده از مین‌ها، تله‌های انفجاری یا دیگر ابزارها بود.

علی‌رغم پیشرفت‌های قابل ملاحظه همچنان ضعف‌هایی در عمل دیده می‌شود که در ادامه می‌آید. هنوز پروتکل سلاح‌ها برای مخاصمان غیر بین‌المللی قابل اعمال نیستند. به علاوه طبق جمله‌بندی معاهده ۱۹۸۵ متن کنوانسیون سلاح‌های متعارف و پروتکل‌های آن قاصر است از اینکه مسائل ناشی از رویه‌های نظامی را مورد توجه قرار دهد. به جز تا حدی که به تکرار همان استانداردهای کلی حقوق عرفی در مورد ممنوعیت جنگ فاقد تفکیک برای استفاده از مین‌ها پرداخته است و این استانداردها حتی برای جنگ‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز قابل اعمال هستند.

به نظر می‌رسد کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف تا آنجا که توانسته با محدودیت و آنجایی که ممکن بوده با ممنوعیت از برخی ددمنشی‌ها جلوگیری به عمل آورده و زمینه مناسبی برای پیشبرد حقوق بشر دوستانه داشته است. به‌طور کلی کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف به‌عنوان یکی از اسناد بین‌المللی کاربردی دارای اهمیت وافر است. این سند بین‌المللی یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های حقوقی است که در نوع خود با توجه به محتوای کلی آن بسیار کارکرد گونه می‌نماید. ۵ پروتکل ضمیمه شده به این کنوانسیون بصورت حداقلی و در برخی موارد حداکثری ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی را در مخاصمات مسلحانه لحاظ نموده است که دولت‌های درگیر را ملزم به اجرای مفاد آن می‌کند. اما متأسفانه در عمل در مخاصمات مسلحانه برخی ددمنشی‌ها به چشم می‌خورد که عدول صریح این مقررات است، لذا هر چند به صورت علمی این کنوانسیون یک تعهد آمره بین‌المللی می‌نماید، اما در مقام عمل همچون سایر منابع حقوق بین‌الملل از درجه کارکردی ۱۰۰ درصدی برخوردار نیست، چرا که یکی از ایرادات مطروحه به حقوق بین‌الملل نداشتن ضمانت اجرای کافی است. اما ورای این مباحث جای امیدواری است که سنگ بنای امروزمین شکل گرفته هرچند دارای ایراد است اما شکل‌گیری نظامات حقوق بشر دوستانه نیازمند زمانی است که به نحو احسن شکل گرفته و در طول زمان کامل‌تر شده است. امروزه دست‌یازیدن به هر عمل یا عکس‌العمل دارای واکنش‌های مختلف جهانی است و به بهانه حفظ حقوق خود نمی‌توان از ابزارها و روش‌هایی استفاده نمود که ساختارهای بشری را زیر سؤال ببرد. در عصر حاضر حقوق بشر دوستانه توانسته است بین جمعیت نظامی و غیر نظامی تفاوت بگذارد لذا جز جمعیتی که به طور خودجوش اسلحه به دست می‌گیرند جمعیت غیر نظامی نباید در مخاصمات شرکت کند و آن‌ها تحت مقررات حقوق بشر دوستانه هستند. حقوق بشر دوستانه می‌بایست در راستای هدف اولیه خود یعنی

جلوگیری از جنگ اقدام نماید و البته در سال‌های اخیر نیز برخی نمودهای جنبه عینی یافته است (مثل معاهدات ممنوعیت استفاده از سلاح‌های اتمی و شیمیایی) به هر روی جای پای حقوق در تمامی مخاصمات دیده شده و حقانیت جایگزین مواردی از جمله ددمنشی و رنج بیش از حد به انسان در مخاصمات را گرفته است (ساعد، ۱۳۸۱: ۵۶).

۳. تأثیرگذاری کنوانسیون ۱۹۸۰ بر حقوق بشر دوستانه

در این بخش به تأثیرگذاری کنوانسیون ۱۹۸۰ بر نهادهای بین‌المللی در رابطه با حقوق بشر دوستانه و ضمانت اجرای کیفری و غیر کیفری در صورت نقض آن پرداخته می‌شود:

۳-۱. سازوکارهای عمده خلع سلاح سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد به مثابه مرکز سازمان یافته اجرای حقوق بین‌الملل منشور، از زمان تأسیس تاکنون، خلع سلاح و کنترل تسلیحات را در مرکز و هسته مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. ساز و کار ملل متحد برای پیگیری خلع سلاح، نشأت گرفته از خود منشور و تصمیمات مجمع عمومی و شورای امنیت می‌باشد. منشور ملل متحد، مجمع عمومی و شورای امنیت را مسئول پیگیری امور خلع سلاح قرار داده است و خود این ارکان اصلی ملل متحد نیز ارکان فرعی را بدین منظور به صورت دائمی یا موقت تأسیس کرده‌اند. با این حال هیچگاه نمی‌توان ارتباط خلع سلاح با امنیت ملی و بین‌المللی را نادیده گرفت، حتی در خلع سلاح‌های متعارف نیز مقوله‌های امنیتی (حداقل برای کشورهای در حال توسعه که فاقد فناوری تولید سلاح‌های پیشرفته هستند) نقش اساسی در جهت دادن به مواضع دولت‌ها در قبال فرآیند خلع سلاح هستند (وکیل، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

۳-۱-۱. تلاش‌های مجمع عمومی و نهادهای وابسته: برخی صاحب‌نظران، مجمع عمومی را رکن قانون‌گذاری ملل متحد نامیده‌اند. از این دید، شگفت‌آور نیست که این رکن در مورد خلع سلاح و امنیت بین‌المللی که غایت تأسیس این سازمان است، بتواند تصمیم‌گیری نموده و حداقل رهنمودهایی را ارائه نماید. با این حال، همین که منشور ملل متحد در بیان حوزه صلاحیت‌ها و اختیارات مجمع عمومی صراحتاً به مسائل خلع سلاح اشاره کرده، مؤید اهمیت این مقوله در نظام مبتنی بر منشور است. بر این اساس ماده ۱۱ مقرر می‌دارد که مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی ناظر به همکاری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌ویژه اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را بررسی نماید. اما نتایج بررسی‌ها محدود به توصیه به

اعضاء، شورای امنیت یا هر دو بوده و فاقد اثر الزام‌آور می‌باشند. برخی عقیده دارند که با توجه به ماده ۱۱ و اینکه چنین ماده‌ای در خصوص اختیارات شورای امنیت وجود ندارد، مسئولیت اصلی و عمده تمهید راهبردهای ملی خلع سلاح، بر عهده مجمع عمومی است و نه شورای امنیت. در واقع مجمع عمومی رکن اصلی ملل متحد برای انجام بررسی‌های مربوط به این موضوع است. اما به نظر می‌رسد که اگر از دید حقوقی به این موضوع بنگریم، تأکید بر این‌گونه برتری‌های مجمع عمومی، مبالغه‌ای بیش نخواهد بود. در پرتو مقایسه اختیارات مجمع و شورا، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورا است و بنابراین راهبردهای کلی مجمع در این خصوص تنها وقتی دارای اعتباری مرادف با ماده ۲۵ منشور است که مورد تأیید شورا باشد و مجمع خودبه‌خود می‌تواند تصمیماتی الزام‌آور در این زمینه اتخاذ نماید. مجمع عمومی در عرصه خلع سلاح اقدامات فراوانی را به عمل آورده است. در سال ۱۹۵۹ مجمع، خلع سلاح عمومی و کامل را مورد پذیرش قرارداد و در سال ۱۹۷۸ به ابتکار جنبش عدم تعهد، استراتژی جدیدی را برای خلع سلاح تدوین کرد و نخستین اجلاس ویژه خلع سلاح ملل متحد را برگزار نمود و در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ با برگزاری دومین و سومین نشست ویژه خلع سلاح ملل متحد این مفهوم را دنبال نمود. ایجاد دفتر ثبت سلاح‌های متعارف در سال ۱۹۹۲، تصویب برنامه شفافیت هزینه‌های نظامی و نقل و انتقال سلاح و ... از دیگر اقدامات مجمع عمومی در این زمینه بوده است. در نخستین اجلاس ویژه خلع سلاح یکی از مواد به خوبی تأیید کرده است که خلع سلاح یکی از اجزای بحث صلح و امنیت بین‌المللی است. تصویب قطعنامه ۱۵۴۰ با عنوان سلاح‌های کشتار جمعی در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ توسط شورای امنیت آن‌هم در قالب فصل هفتم منشور نیز در همین راستا بوده است (فلک، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

مجمع عمومی در راستای مسئولیت فوق و اینکه بر اساس ماده ۷ می‌تواند برای انجام وظیفه خود به تأسیس ارکان فرعی مبادرت ورزد، دو رکن فرعی را برای پیگیری و یا ارائه رهنمودهای مشورتی تخصصی ایجاد کرده است:

کمیته اول: (کمیته خلع سلاح و امنیت بین‌المللی) و کمیسیون خلع سلاح. این کمیته یکی از کمیته‌های دائمی مجمع عمومی است که در طول هر نشست عادی تشکیل جلسه می‌دهد و به بررسی کلیه مسائل مرتبط با خلع سلاح که در دستور کار مجمع قرار دارند، می‌پردازد. تصمیمات این کمیته برای تصویب به صحن عمومی مجمع ارجاع می‌شود. جمهوری اسلامی ایران یکی از دولت‌های فعال در این کمیته می‌باشد. کمیسیون خلع سلاح نیز یک رکن فرعی

مشورتی و تخصصی است که در مواقعی غیر از برگزاری نشست‌های مجمع تشکیل جلسه می‌دهد و به مسائل خاص نظیر ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای و دستورالعمل‌های مربوط به نقل و انتقال بین‌الملل سلاح می‌پردازد. کنفرانس خلع سلاح زاینده اقدامات جامعه ملل است. شورای جامعه ملل در قطعنامه سال ۱۹۲۵ یعنی چندی پس از تصویب پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کمیته مقدماتی این کنفرانس را ایجاد کرد. کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۳۱ تشکیل و رسماً در ۱۹۳۲ نخستین نشست خود را برگزار نمود. این کنفرانس در سال ۱۹۳۶ بنا به تصمیم شورای جامعه ملل به حالت تعلیق در آمد.

مجمع عمومی پس از آغاز به کار خود، این کنفرانس را که تنها مجمع و عرصه مذاکرات چندجانبه نامحدود راجع به خلع سلاح و مورد استقبال جامعه بین‌المللی است، فعال نمود. کنفرانس در زمینه‌های خلع سلاح تنها با وفاق عام تصمیم‌گیری می‌کند و بدین ترتیب به اصل برابری حقوق دولت‌ها که مورد تأیید و تأکید حقوق بین‌الملل منشور بوده و حتی یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل عام می‌باشد، استوار است. این نهاد در حال حاضر با مشکلات اساسی روبه‌رو است. محدودیت گسترده دولت‌های عضو و در نتیجه عدم اعتماد فراگیر دولت‌ها به نتایج یا حمایت از تصمیمات آن، برخورد احتیاط‌آمیز دولت‌ها با کنفرانس به دلیل پیوند خلع سلاح با منافع و امنیت ملی، اختلاط خلع سلاح با مقتضیات یا ممنوعیت تسلیحاتی و... سبب شده که این نهاد نتواند جایگاه چندان مناسبی برای خود بیابد. با این حال، نباید موفقیت‌های این کنفرانس را نادیده گرفت. انعقاد کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و کنوانسیون منع تولید، توسعه و کاربرد و انباشت مین‌های ضدنفر از مهمترین دستاوردهای آن هستند. این کنفرانس تا حدودی مستقل از مجمع بوده و مقررات دستور کار خود را رأساً تمهید می‌نماید. اما در این راستا، توصیه‌های مجمع را مدنظر قرار می‌دهد و هر ساله گزارش‌هایی را به مجمع تسلیم می‌کند.

۳-۱-۲. تلاش‌های شورای امنیت: شورای امنیت سازمان ملل متحد رکن اجرایی یا سیاسی ملل متحد است که از همه مهم‌تر، مسؤولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، اگر در نظر آوریم که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اساسی‌ترین هدف تشکیل ملل متحد بر خرابه‌های جامعه ملل بوده است، اهمیت جایگاه شورای امنیت در منشور روشن خواهد بود. با ملاحظه منشور و تفسیر عملی آن از سه جهت می‌توان جای پای خلع سلاح را در حوزه صلاحیت و اختیار شورای امنیت مشاهده کرد.

الف) خلع سلاح در گستره مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی: در بند ۱ ماده ۲۴، مهم‌ترین مقررہ منشور یعنی مسؤولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توسط شورای امنیت تعیین گردیده است. با استفاده از بند ۱ ماده ۱۱ منشور و مقایسه آن با این ماده می‌توان گفت که مسؤولیت خلع سلاح و تنظیم تسلیحات (کنترل تسلیحات)، داخل در صلاحیت این شورا می‌باشد و البته این صلاحیت اولیه و اصولی، مانع از اعمال اختیار مجمع عمومی در حدود بند ۱ ماده ۱۱ می‌باشد. علاوه بر این بیانیه سال ۱۹۹۲ سران شورای امنیت، قطعنامه‌های شورا در مورد عراق و نهایتاً قطعنامه اخیر ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ جمله‌گی تصریح کرده‌اند که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. از این جهت است که شورا در اجرای بند ۱ ماده ۲۴ منشور وارد حوزه خلع سلاح یا عدم گسترش شده است.

ب) کمیته ستاد نظامی شورای امنیت: مقصود اصلی ماده ۲۶ منشور از اشاره کمیته ستاد نظامی، کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق به کارگیری تدابیری به منظور صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات می‌باشد.

برای این کمیته، راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره کلیه مسائل مربوط به نیازمندی‌های نظامی شورای امنیت جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین به کارگیری و فرماندهی نبردهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی را نیز پیش‌بینی کرده است.

این کمیته نتوانسته به‌عنوان رکن فرعی و مصرح خلع سلاح شورای امنیت تبلور یابد اما خود شورا با ایجاد کمیسیون ویژه بازرسی تسلیحاتی عراق پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس، نخستین رکن فرعی خودش در مورد خلع سلاح را تأسیس نمود.

ج) بر اساس ماده ۴۱ منشور، شورای امنیت می‌تواند پس از احراز موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح یا وقوع تجاوز، با استفاده از تدابیر غیرمستمری با دولت مربوط برخورد نماید. در خصوص تفسیر این ماده و محدوده تصمیمات غیر قهری شورا از نظر محدود بودن به مصادیق مصرح در آن یا شمول آن نسبت به موارد دیگر اختلاف نظر وجود دارد. اما با توجه به تفسیر لفظی و همچنین رویه شورا این‌گونه استنباط می‌شود که شورا می‌تواند نسبت به تحریم‌هایی غیر از آنچه در این ماده اشاره شده، اقدام ورزد. بر اساس این ماده، تحریم‌های تسلیحاتی یکی از تحریم‌هایی است که شورا می‌تواند در پرتو این ماده در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و

اعمال تجاوز مقرر نماید. همچنان که تحریم‌های تسلیحاتی عراق در کنار نظام بازرسی و تأیید تسلیحات کشتار جمعی و موشکی برای این کشور از بارزترین مصادیق اعمال این ماده می‌باشد. بر خلاف سایر مواد که خلع سلاح به عنوان یکی از ضروریات مورد توجه ملل متحد نمود می‌یابد، در این مورد خلع سلاح به عنوان یک ضمانت اجرایی رعایت حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق منشور عمل می‌کند که تعیین آن بر عهده شورای امنیت خواهد بود.

۳-۱-۳. دبیرخانه: دبیرخانه ملل متحد اگر چه یک رکن اداری است اما به برخی مسائل اجرایی نیز که از این امور غیرقابل تفکیک هستند، اشتغال می‌ورزد. به همین منظور در این دبیرخانه، یک اداره و مؤسسه مطالعاتی به خلع سلاح اختصاص یافته است.

انجام و مدیریت ثبت سلاح‌های متعارف، تبادل اطلاعات مندرج در موافقتنامه‌های مختلف تسلیحاتی، تسهیل بحث و بررسی پیرامون مسائل خلع سلاح مطروحه در مجمع عمومی و کنفرانس خلع سلاح و عرضه بی‌طرفانه اطلاعاتی مقاصد علمی و آموزشی در پیگیری اهداف ملل متحد در این عرصه مهم‌ترین مسؤولیت‌های این اداره می‌باشند. موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد نیز که در ژنو مستقر شده است، در زمینه خلع سلاح و مسائل مربوط، به ویژه امنیت بین‌المللی به مطالعه می‌پردازد (پستا، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

به نحوی که مشخص است اقدامات پیگیرانه در زمینه نقض قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌تواند به صورت بین‌المللی و همچنین به صورت داخلی انجام پذیرد، اینک به تشریح نهادهای پیگیری‌کننده در صورت نقض حقوق بشردوستانه پرداخته می‌شود.

۴. ضمانت‌های اجرایی حقوق بشردوستانه

لازم به ذکر است ضمانت‌های اجرایی حقوق بشردوستانه در قالب‌های مختلف کیفری و غیر کیفری مطرح است که سعی بر آن شده به صورت خلاصه موارد فوق تشریح گردد:

۴-۱. ضمانت اجرای کیفری حقوق بشر دوستانه

معمولاً در محاکم داخلی مراحل طرح شکایت، رسیدگی در دادسرا، رسیدگی بدوی جزایی و عن‌النهاییه دادگاه تجدید نظر مطرح می‌شود. اما در پروسه بین‌المللی وضعیت به صورت حقوق داخلی نبوده و قدری سهل‌تر پیگیری می‌شود. معمولاً محاکم دادگاه‌های کیفری به صورت موقتی و برای رسیدگی‌های خاصی تشکیل شده و آرای خود را اعلام می‌دارند (ساک، ۱۳۸۷):

۱۰۱). در این رابطه می‌توان به ذکر نمونه‌ای همچون دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اشاره نمود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ طی قطعنامه شماره ۸۰۸ و بر اساس فصل هفتم ملل متحد تصمیم به تشکیل یک دادگاه بین‌المللی ویژه برای محاکمه اشخاصی گرفت که متهم به نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق از اول ژانویه ۱۹۹۱ می‌باشند. شورا متعاقباً با صدور قطعنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۲۵ مه همان سال، اساسنامه دادگاه را مورد تصویب قرار داد. اساسنامه مشتمل بر ۳۴ ماده است.

دادگاه رکن فرعی شورای امنیت می‌باشد که از ۱۱ قاضی تشکیل شده است؛ برای دو شعبه بدوی، هر کدام سه قاضی و برای شعبه استینافی پنج قاضی، که برای مدت ۹ سال توسط مجمع عمومی و شورای امنیت انتخاب می‌شوند. به‌علاوه دادستان نقش قابل توجهی دارد. زیرا وی مسئول تحقیق در پرونده‌ها و تعقیب عاملان نقض جدی و شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. صدور کیفرخواست نیز با دادستان است. مقر دادگاه در شهر لاهه هلند می‌باشد.

نقض حقوق بشر دوستانه در اساسنامه دادگاه عبارتند از:

۱. نقض‌های فاحش عهدنامه‌های چهارگانه
۲. نقض فاحش قوانین و عرف‌های جنگی
۳. جنایت نسل‌زدایی
۴. جنایت علیه بشریت

اساسنامه دادگاه مجازات حبس، اعم از ابد یا مدت‌دار و نیز مجازات ضبط اموال و منافع مکتسبه از راه‌های نامشروع، از جمله به کارگیری زور را پذیرفته است.

میزان مجازات‌ها بر اساس قوانین یوگسلاوی سابق تعیین می‌شود. مجازات‌ها در کشوری که آمادگی پذیرش محکومان را داشته باشد، اجرا می‌شود. دادگاه از ۲۷ نوامبر ۱۹۹۳ کار خود را آغاز نموده و تاکنون به پرونده‌های بسیاری رسیدگی و احکام لازم را صادر کرده است (ذاکریان، آقا علیخانی، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

۴-۲. ضمانت اجرای غیر کیفری حقوق بشردوستانه

گذشته از وجه کیفری حقوق بشردوستانه، برخی ضمانت‌اجراهای غیر کیفری نیز در راهبردهای این شاخه حقوقی تأثیر بسیار مؤثری را داراست.

ضمانت اجرای غیر کیفری، همان مسؤولیت بین‌المللی در وجه غیر کیفری و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است، که به‌عنوان سازوکاری قانونمند، اساسی و ضروری در روابط متقابل تابعان حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. این ضمانت‌های اجرایی شامل اعاده وضع به حال سابق، جلب رضایت زیان‌دیده، قطع و عدم تکرار عمل متخلفانه، اقدامات متقابل و پرداخت غرامت است که همگی در ذیل عنوان روش‌ها و اشکال جبران خسارت مطرح گردد و در بسیاری موارد خود مانعی برای انجام امور ناقص حقوق بشردوستانه است. لذا حقوق بشردوستانه هر چند در عمل دارای ناکارآمدی‌هایی است، اما می‌تواند موانعی هر چند مختصر را فراهم سازد.

اما در رابطه با کنوانسیون ۱۹۸۰ باید بیان داشت، سرانجام در سازمان ملل متحد کنفرانسی در ژنو راجع به تسلیحات متعارف از ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۰ برگزار شد که در آن کنوانسیون ۱۹۸۰ در ۱۰ اکتبر به تصویب رسید. این کنوانسیون در ۲ دسامبر سال ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد. اگر چه کنوانسیون سلاح‌های متعارف بیانگر حقوق بشردوستانه بین‌الملل راجع به کاربرد غیر انسانی انواع خاص از سلاح از جمله مین‌های زمینی می‌باشد. اما با توجه به گسترش استفاده از مین‌های زمینی پس از دهه ۸۰ و خسارات ناشی از آن بیانگر عدم کارایی کنوانسیون و پروتکل مربوطه آن در کاهش گسترش آثار غیرقابل تفکیک این دولت بوده است.

با توجه به اصلاح ماده یک کنوانسیون سلاح‌های متعارف در دومین کنفرانس بازنگری کنوانسیون مزبور روز ۲۱ دسامبر ۲۰۰۱، قلمروی اعمال پروتکل‌های اول تا چهارم کنوانسیون به منازعات مسلحانه داخلی نیز تسری داده شد.

در مقدمه سند مزبور به مقررات بنیادین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی همچون اصل تفکیک و اصل منع درد و رنج بی‌هوده اشاره شده است که این خود نشان‌دهنده اسناد مقررات معاهده و پروتکل‌های الحاقی آن بر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه می‌باشد (ساعد، ۱۳۹۰).

هدف اصلی کنوانسیون سلاح‌های متعارف، تأمین حمایت حقوقی بهتر از افراد غیر نظامی در درگیری‌های مسلحانه است. در حقیقت، کنوانسیون مزبور و پروتکل‌های الحاقی آن که در چارچوب مبتنی بر حقوق بشردوستانه بین‌الملل قرار دارند، نحوه استفاده از سلاح‌های متعارف موجود و نیز سلاح‌های متعارف جدید را قاعده‌مند می‌کنند.

قابل توجه می‌باشد که تلاش‌های جامعه بین‌المللی در حوزه کنترل سلاح‌های متعارف به کنوانسیون مزبور و پروتکل‌های آن محدود نشد. بلکه این تلاش‌ها با مشارکت هرچه بیشتر

سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشردوستانه در خصوص خلع سلاح کامل سلاح‌های متعارفی شد که دارای آثار غیرقابل تفکیک هستند و یا موجب درد و رنج بیهوده می‌شوند، توسعه بیشتر پیدا کرده است. تصویب کنوانسیون اوتاوا در مورد منع جامع مین و نیز کنوانسیون بمب‌های خوشه‌ای که می‌توان آنها را معاهدات مکمل کنوانسیون سلاح‌های متعارف دانست، شاهدی به این مدعاست.

مقدمه کنوانسیون سلاح‌های متعارف به اصول و قواعد شناخته شده بین‌المللی در خصوص درگیرهای مسلحانه و رعایت اصول بنیادین حقوق بشردوستانه اشاره می‌کند. همچنین حق طرفین درگیر مناقشه مسلحانه در انتخاب روش‌ها و ابزارهای جنگ نامحدود نیست. بنابراین ادوات نظامی و شیوه‌هایی که درد و رنج بیهوده ایجاد می‌کند یا موجب خسارات گسترده می‌شوند ممنوع است علاوه بر این در مقدمه کنوانسیون مزبور ذکر شده است که هر یک از کشورهای عضو این پیمان مطابق با منشور ملل متحد موظف هستند که از تهدید به استفاده از زور یا هر روش دیگری که مغایر با اهداف ملل متحد باشد، اجتناب ورزند.

بر اساس ماده ۵ کنوانسیون زمان لازم‌الاجرا شدن هر یک از پروتکل‌ها، شش ماه پس از تودیع دوازدهمین سند تصویب یا تأیید خواهد بود و برای هر دولت که بعد از این تاریخ اعلام تعهد کند، شش ماه بعد از اعلام خواهد شود.

عدم امکان تضعیف سایر تعهدات ناشی از دیگر مقررات بشردوستانه بین‌المللی اعضاء از طریق هرگونه تفسیر مقررات کنوانسیون سلاح‌های متعارف در ماده ۲ معاهده مزبور آمده است. همچنین ماده ۳ و ۴ به امضا تصویب، تأیید و پذیرش و الحاق اشاره دارد.

به موجب ماده ۶ دولت‌ها متعهد می‌شوند که نسبت به اشاعه و انتشار کنوانسیون و پروتکل‌های آن اقدام نمایند. ماده ۹ کنوانسیون سلاح‌های غیر انسانی به اعضا، این اختیار را داده است که در صورت صلاحدید از کنوانسیون یا پروتکل‌های ذی‌ربط آن خارج شوند. ارتکاب برجسته این ماده آن است که این کناره‌گیری از معاهده باید به اطلاع مقام امین برسد و تنها پس از گذشت یک سال از اینگونه اعلام، معتبر و نافذ خواهد بود و در صورتی که در فاصله این یک سال، دولت کناره‌گیری کننده درگیر مخاصمه مسلحانه از انواع مورد شمول کنوانسیون شود آن دولت همچنان پای بند به تعهدات مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های لازم‌الاجرا نسبت به او خواهد ماند. به علاوه کناره‌گیری آن دولت عضو، تأثیری بر اقدامات انجام گرفته او قبل از کناره‌گیری نخواهد گذاشت.

به هر روی حقوق بشر دوستانه در ابتدای کار خود قرار دارد و نمی‌توان انتظار داشت که همانند حقوق داخلی کاملاً کاربردی و مؤثر عمل نموده و مانعی قطعی برای مقابله با این جنایات جنگی و بشری تلقی نمود این در حالی است که در شکل‌گیری حقوق داخلی به معنای امروزی آن نیز چنین بوده است اما تأمل می‌توان راه گشای آن باشد و در طول زمان آثار اجرایی ویژه فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد پیش گفته حقوق بشر دوستانه در ابتدای امر قرار داشته، ولی باز هم با این وجود تأثیرات شگرفی در جنایات جنگی داشته است. هم اکنون اخلاق و همچنین کنوانسیون‌هایی از قبیل کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف، در برابر لیزرهای میدان نبرد، به عنوان یک مبارز طلبی فنی سد بزرگی را بوجود آورده است. از سوی دیگر طرح موضوعات جنایات جنگی در دیوان کیفری بین‌المللی گذشته از امکان محاکمه جنایت‌کاران جنگی می‌تواند خود عاملی برای بازدارندگی احتمالی باشد. به هر تقدیر باید یادآور شد که این کنوانسیون در مقام عمل توانسته است تا جای ممکن یک چتر حمایتی برای جلوگیری از جنایات جنگی فراهم ساخته و از سوی دیگر با در دست داشتن ابزارهایی به صورت مانع‌ساز موقتی و یا همیشگی از برخی اقدامات خلاف حقوق بشر دوستانه جلوگیری به عمل آورد. امروزه رژیم‌های استکباری مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به بهانه داشتن ابزارهای جنگی قدرتمند به هر آنچه می‌خواهند دست یازند و توقع سکوت جامعه جهانی را داشته باشند. محاکم کیفری داخلی و بین‌المللی با استناد به مقررات بین‌المللی و با ایجاد یک جو جهانی علیه رژیم‌های جنایتکار و جنایتکاران جنگی موجب شده است که هر چند نه به طور کامل بلکه به نحوی نسبتاً مطلوب و کاربردی و کارکردی از ابزارهای جنگی نامناسب پرهیز شود و اگر هم توسط برخی رژیم‌ها این قواعد زیر پا گذاشته می‌شود، آن جنایتکاران به نحوی سعی در لاپوشانی موضوع داشته و نمی‌توانند با گردن افراشته مدعای استفاده از اینگونه سلاح‌ها گردند، لذا بسیار زود است که تصور شود که حقوق بشر دوستانه و در ورای آن کنوانسیون‌هایی همچون کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف خاص می‌توانند بازدارندگی کامل ایجاد نمایند. اما این بدان معنا نیست که آثار مثبت وجودی آن‌ها زیر سؤال رود.

فهرست منابع

- پستا، حسن (۱۳۸۷). **فرهنگ روابط بین الملل**، چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ذاکریان، مهدی؛ آقا علیخانی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها»، **مجله سیاست خارجی**، دوره ۲۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۴۲-۲۱۳.
- راجرز، آنتونی و مالرب، پل (۱۳۸۵). **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**، چاپ دوم، تهران: نشر امیرکبیر.
- ساعد، نادر (۱۳۸۱). «خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از یازده سپتامبر: همکاری بین المللی یا یکجانبه گرایی؟»، **مجله سیاست دفاعی**، بهار و تابستان، شماره ۳۸ و ۳۹، صص ۱۷۸-۱۴۱.
- ساعد، نادر (۱۳۸۳). «فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین الملل منشور از نظر تا عمل»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، پاییز، شماره ۶۵، صص ۸۶-۵۹.
- ساکي، محمدرضا (۱۳۸۷). «ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، **نشریه دیدگاه های حقوق قضایی**، شماره ۴۵-۴۴، تابستان و پاییز، صص ۱۳۱-۱۰۱.
- شایگان فریده (۱۳۸۶). **تحول مفهوم صلح و امنیت بین المللی**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۱). **حقوق بشر دوستانه بین المللی**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- شهبازی، آرامش (۱۳۸۸). «ارزیابی گزارش دیده بان حقوق بشر (۲۰۰۹) در مورد استفاده رژیم صهیونیستی از فسفر سفید علیه مردم غزه از منظر حقوق بین الملل»، **نشریه حقوق بین الملل**، بهار و تابستان، شماره ۴۰، صص ۹۸-۷۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶). **حقوق بین الملل عمومی**، چاپ بیست و ششم، تهران: نشر گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). **حقوق بین الملل بشر دوستانه**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- غفاریان، سیروس (۱۳۸۰). «تاریخچه کنفرانس‌های خلع سلاح»، **نشریه آموزش تاریخ**، تابستان، شماره ۶، صص ۲۹-۲۱.
- فلسفی، هدایت الله (۱۳۸۵). **حقوق بین الملل معاهدات**، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ.
- فلک، دیتر (۱۳۹۰). **حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه**، چاپ دوم، تهران: نشر شهردانش.
- ممتاز، جمشید (۱۳۹۰). **حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی**، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶

موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۵). **بایسته های حقوق بین الملل عمومی**، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
میرعباسی، سیدباقر و عزیزی، ناصر (۱۳۸۹). «به سوی تعادل بین حقوق بشردوستانه و ملاحظات
نظامی با تأملی به کنوانسیون سلاح‌های متعارف و پروتکل‌های ضمیمه آن»، **فصلنامه دیدگاه های
حقوق قضایی**، بهار و تابستان، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۱۲۶-۹۳.
وکیل، امیرساعد (۱۳۸۹). **حقوق بین الملل عمومی (۲)**، چاپ اول، تهران: نشر مجد.